

درباره کنترل کارگری

مقاله زیر توسط آنتونیو گرامشی * در نظم نوین ۱۰ فوریه ۱۹۲۱ نگاشته شده است و بر علیه طرح لایحه پیشنهادی یکی از نمایندگان پارلمان ایتالیا است. طرح مذکور مشارکت کارگران در مدیریت کارخانه را پیشنهاد می کرد، اما در واقع طرحی برای جلوگیری از اشغال کارخانه ها توسط کارگران بود.

این مقاله از کتاب آنتونیو گرامشی، منتخب آثار سیاسی ۲۶ - ۱۹۲۱ انتشارات Lawrence & Wishart، فصل سوم ترجمه شده است.

پیش از آنکه طرح لایحه پیشنهادی جناب جیولیتی (از نمایندگان پارلمان ایتالیا) به مجلس نمایندگان را بررسی کنیم و یا در مورد امکاناتی که این لایحه به وجود می آورد صحبت کنیم، واجب است شیوه برخورد و دیدگاه کمونیست ها نسبت به این مسأله را مشخص کنیم.

برای کمونیست ها برخورد به مسأله کنترل همچون برخورد به مهم ترین مسأله عمرگونی است، یعنی برخورد به مسأله اعمال قدرت کارگران بر وسایل تولید و در نتیجه دستیابی به قدرت دولتی. از چنین دیدگاهی، طرح لایحه، تصویب آن و به اجرا در آمدنش در چارچوب دولت بورژوازی، مسأله ثانوی هستند. تنها دلیل وجود و منشاء قدرت کارگری در درون طبقه کارگراست، در توانایی سیاسی این طبقه، در قدرت عملی که این طبقه در اختیار دارد به مثابه عامل تعیین کننده و غیر قابل تغییر در تولید و به عنوان نیروی سازمانده سیاسی و نظامی. هر قانونی که در رابطه با این مسأله از درون قدرت بورژوازی نشأت گیرد تنها یک معنی و یک ارزش می تواند داشته باشد: به این معنی که نه تنها در کلام بلکه در حقیقت عرصه مبارزه طبقاتی تغییر کرده است. و تا آنجا که بورژوازی مجبور است عقب نشینی کند و دستگاه های جدیدی در این عرصه نو به وجود آورد، ارزش واقعی آن نمایش ضعف ارگانیک طبقه حاکم است. پذیرش این مسأله که قدرت توسعه در صنایع باید محدودیت هایی داشته باشد، قبول این مسأله که دموکراسی و لوظا هری جایگزین زورگویی در صنایع می شود به معنی اذعان به شکست بورژوازی به عنوان طبقه تاریخی اداره کننده است و نشانه آنست که بورژوازی عملاً در نیست شرایط زندگی و توسعه توده ها را تضمین کند. به منظور تقسیم مسوولیت و شریک کردن نیروی دیگری در این وظیفه، بورژوازی حاضر است خود را تحت کنترل و نظارت قرار دهد.

* رجوع شود به "بنیانگذاران جنبش کارگری سوسیالیستی" در همین شماره.

از دید حفظ موقعیت، بورژوازی می خواهد که طبقه کارگر همچون ضامن در برابر توده ها شهادت دهد که هیچکس مسوول ویرانی اقتصادی کنونی نیست، که همگان باید بصورانه مشکلات را تحمل کنند و بر کار خود بیفزایند تا شکاف های موجود تعمیر شوند و بیرویرانه های خرابی امروز دنیای بهتری ساخته شود.

در نتیجه ساله کنترل، مساله ای است که بورژوازی و طبقه کارگر بر سر آن مبارزه می کنند تا بر توده های مردم رهبری طبقه خود را اعمال کنند. بر اساس این مساله است که طبقه کارگر برپایه از دستیابی به اعتماد و رضایت اکثر توده ها، میتواند دولت را بر اساس زدو با شرکت طبقات زحمتکش و استثمار شده، سیستم دولتی جدید را برپا کند و کار مثبت سازماندهی اقتصادی و سیستم اجتماعی جدید را آغاز کند. در طول مبارزه برای دستیابی به قدرت که در پارلمان صورت نمیگیرد بلکه مبارزه انقلابی توده ها است و فعالیت تبلیغاتی و سازماندهی حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست است - طبقه کارگر، چه در روحیه و چه به عنوان یک سازمان، به استقلال (اتونومی) و موقعیت تاریخی خود دست می یابد. به این دلیل است که فزاول مبارزه در شکل مبارزه برای دستیابی به شکل خاصی از سازماندهی منعکس خواهد شد. این شکل سازمان تنها شورای کارخانه است و در سطح کشوری، سیستم تمرکز یافته شوراهای کارخانه است. نتیجه مبارزه باید تشکیل شورای سراسری طبقه کارگر باشد. که در همه سطوح - از شوراهای کارخانه تا شوراهای شهری تا شورای سراسری - منتخب کارگران باشد، مطابق با شیوه ها و روش هایی که خود طبقه کارگر تعیین کند نه پارلمان یا دولت بورژوازی. این مبارزه باید به شیوه ای انجام گیرد که به توده های مردم نشان دهد کلیه مایل و مشکلات اساسی این دوره از تاریخ، مساله نان، مسکن، برق، پوشاک... تنها زمانی حل خواهد شد که تمام قدرت اقتصادی، سیاسی در دست طبقه کارگر باشد. به عبارت دیگر این مبارزه باید آنچنان پیشبرده شود و قیام توده های خلقی، حول طبقه کارگر علیه رژیم سرمایه داری را سازماندهی کند که طبقه کارگر در عمل رهبری مبارزات را بدست گیرد و همه نیروهای مولده را از طریق استقرار کمونیسم بسوی رهایی کامل پیش برد. این مبارزه باید طبقه کارگر را آماده کند تا از میان صفوف خود توانا ترین و برنیروترین افراد را انتخاب کند و از میان آنها رهبران جدید صنعتی را پرورش دهد و این افراد راهگشای بازسازی اقتصادی شوند. از این نظر، طرح لایحه پیش-نها دی جناب جبولیتی به پارلمان تنها وسیله ایست برای تهییج و تبلیغ از این دید است که کمونیست ها با دیده طرح برخورد کنند و گرنه از نظر آنها این نه تنها هدف نهایی نیست بلکه حتی نقطه شروع نیز نمی باشد.

ترجمه از: پ. گویا